

سائیس  
من

شہر پور  
حسین (ع)



صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی  
روابط عمومی: فاطمه محمودی  
تحریریه: سهیلا سادات حسینی، فاطمه محمودی، یاسر اصلانی

## ماه نامه سایس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: [www.sayesman.ir](http://www.sayesman.ir) [www.totayar.ir](http://www.totayar.ir)

@sayes\_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

رایان نامه [totayar@iran.ir](mailto:totayar@iran.ir)

[Iea.iran@iran.ir](mailto:Iea.iran@iran.ir)

ماهنامه «سایس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سایس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. سایس من کیست؟



**با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.**

**انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن**

## بیانات رهبری در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا  
محمد و آله الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضین ارواحنا  
فداه.

خیلی خوش آمدید. جداً جداً خوشحالم از اینکه یک بار  
دیگر توفیق پیدا کردم با جمعی از نخبگان کشور، این  
نشست را داشته باشیم. از مطالبی هم که دوستان گفتند  
تشکر میکنم؛ مطالب مهمی بیان کردند، نکات قابل  
توجهی ذکر کردند، منتها دو نکته را در مورد فرمایشات  
آقایان میخواهم بگویم.

یکی اینکه تقریباً همه‌ی این مسائل — حالا شاید یکی دو  
موردش استثنا باشد — مسائل اجرائی است و مسائل  
اجرائی را بایستی دستگاه‌های اجرائی دنبال کنند. البته ما  
[هم] دنبال میکنیم؛ من سفارش میکنم این مطالبی که  
گفته شد تدوین بشود، احتمالاً خلاصه‌گیری بشود یا یک  
بررسی‌ای بشود و به آن مسئولین مربوط قوه‌ی مجریه  
اینها را منتقل میکنیم؛ منتها شما در ملاقاتهایی که با  
مسئولین اجرائی کشور دارید — خوشبختانه فعالند؛  
خوشبختانه ما امروز یک رئیس‌جمهور اهل کار، اهل

پیگیری و دنبال‌گیری داریم — اینها را مطرح کنید تا  
ان‌شاءالله تحقق پیدا کند. این یک نکته

نکته‌ی دوّم این است که در یک دوره‌هایی، بین نخبگان  
و بین مسئولین دولتی یک فاصله‌های زیادی وجود داشت،  
[در حالی که] امروز این جور نیست. امروز عده‌ی زیادی از  
امثال همین شما جوانها در مدیریتهای قابل توجه دولت  
حضور دارند، چه در سطح وزارت، چه در سطح معاونت،  
چه در سطح مدیریتهای میانی؛ خوب چرا این حرفها به  
آنها منتقل نمیشود؟ همان برادرانی که اینجا می‌ایستادند  
و مثل شما نظراتی را میدادند، امروز در بدنه‌های مدیریتی  
کشور [حضور دارند]، هنوز هم جوان هستند، سالخورده و  
میان‌سال هم نشده‌اند، مثل خود شما جوانند؛ چرا اینها به  
هم متصل نمیشود، یک زنجیره‌ای به وجود نمی‌آید و این  
حرفها منتقل نمیشود؟ در دستگاه‌های مختلف کشور،  
برای این کار فکر کنید. حالا مثلاً بحث خودرو [مطرح  
شد]؛ الان در وزارت صمت تعداد زیادی جوانهای فعال  
نخبه حضور دارند؛ بحث خودرو را آنجا مطرح کنید، بحث  
مهمی هم هست. یا از بحثهای دیگری که اینجا شد،  
مسئله‌ی مناطق محروم بود. خوب دولت یک بخش ویژه‌ای  
را برای مناطق محروم در نظر گرفته؛ (۲) آنجا عده‌ای  
جوان هستند؛ حتی به نظرم تعدادی دانشجو که هنوز  
دانشجو هستند، آنجا فعالند؛ خوب مطرح کنید اینها را با  
آنها، دنبال کنید؛ صرف این نباشد که حالا یک سخنرانی‌ای  
اینجا انجام بگیرد. البته نظرات، نظرات خیلی خوبی بود و  
ما ان‌شاءالله ترتیب اثر میدهیم — من میگویم دنبال کنند  
اینها را و دنبال میکنیم؛ خود من هم شاید با رئیس‌جمهور  
محترم در میان بگذارم بعضی از این مطالب را — لکن به  
نظرم شماها یک مقداری در این زمینه‌ها عملیاتی‌تر وارد  
بشوید.

درباره‌ی مسئله‌ی نخبگی و نخبگان و پیشرفت علمی، بنده دو سه نکته را یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم. نکته‌ی اول این است که حرکت علمی از حدود دو دهه پیش یا یک خرده بیشتر در کشور شروع شد، شروع خوبی هم داشت؛ یعنی یک حرکتی ایجاد کرد، دو سه شعار در محیط‌های دانشجویی و دانشگاهی مطرح شد [از قبیل] «عبور از مرزهای علمی کشور» و «حرکت نرم‌افزاری» که این چند شعاری که آن روزها آنجا مطرح شد، کاملاً اثر گذاشت؛ یعنی یک تحرک و یک جوششی در محیط‌های دانشگاهی به وجود آمد و خوشبختانه ادامه هم پیدا کرد؛ یعنی یک چیزی که زود بجوشد و خاموش بشود نبود، ادامه پیدا کرد. در واقع، یک حرکت جهشی از لحاظ علمی در کشور شروع شد؛ این یک واقعیتی است. بعد از آنکه مسئله‌ی پیشرفت علمی و حرکت در مرزهای دانش و چند شعار در بین دستگاه‌های دانشگاهی مطرح شد، یک حرکت جهشی واقعاً شروع شد، به طوری که مراکز داوری جهانی در زمینه‌ی مسائل علمی، آن روز گفتند که سرعت رشد علمی کشور سیزده برابر یا دوازده برابر متوسط سرعت رشد جهانی است! خب این مسئله‌ی خیلی مهمی است؛ این اتفاق افتاد. بنده همان وقتها — یعنی چند سال قبل از این — در چند جلسه‌ی علمی و دانشگاهی و مانند اینها یک مطلبی را بیان کردم (۳) و آن، این بود که گفتم این جوری گفته میشود که سرعت رشد [علمی] ما زیاد است، اما به این مغرور نشویم، ما به این غرّه نشویم که حالا سرعت رشدمان این قدر زیاد است؛ برای خاطر اینکه با وجود این سرعت رشد، ما هنوز در دانش عقبیم؛ ما نسبت به دنیای علم، از لحاظ علمی عقبیم. این «عقب بودن» را البته من در مواردی تشریح کردم، دیگر نمیخواهم تکرار کنم یا بگویم. ما عقبیم، علت این عقب بودن هم این است که در یک دوران طولانی‌ای، در زمان حکومت طواغیت و سلاطین ظالم و خودکامه —

پیگیری و دنبال‌گیری داریم — اینها را مطرح کنید تا ان شاءالله تحقق پیدا کند. این یک نکته.

نکته‌ی دوم این است که در یک دوره‌هایی، بین نخبگان و بین مسئولین دولتی یک فاصله‌های زیادی وجود داشت، [در حالی که] امروز این جور نیست. امروز عده‌ی زیادی از امثال همین شما جوانها در مدیریتهای قابل توجه دولت حضور دارند، چه در سطح وزارت، چه در سطح معاونت، چه در سطح مدیریتهای میانی؛ خب چرا این حرفها به آنها منتقل نمیشود؟ همان برادرانی که اینجا می‌ایستادند و مثل شما نظراتی را میدادند، امروز در بدنه‌های مدیریتی کشور [حضور دارند]، هنوز هم جوان هستند، سالخورده و میان‌سال هم نشده‌اند، مثل خود شما جوانند؛ چرا اینها به هم متصل نمیشود، یک زنجیره‌ای به وجود نمی‌آید و این حرفها منتقل نمیشود؟ در دستگاه‌های مختلف کشور، برای این کار فکر کنید. حالا مثلاً بحث خودرو [مطرح شد]؛ الان در وزارت صمت تعداد زیادی جوانهای فعال نخبه حضور دارند؛ بحث خودرو را آنجا مطرح کنید، بحث مهمی هم هست. یا از بحثهای دیگری که اینجا شد، مسئله‌ی مناطق محروم بود. خب دولت یک بخش ویژه‌ای را برای مناطق محروم در نظر گرفته؛ (۲) آنجا عده‌ای جوان هستند؛ حتی به نظرم تعدادی دانشجو که هنوز دانشجو هستند، آنجا فعالند؛ خب مطرح کنید اینها را با آنها، دنبال کنید؛ صرف این نباشد که حالا یک سخنرانی‌ای اینجا انجام بگیرد. البته نظرات، نظرات خیلی خوبی بود و ما ان شاءالله ترتیب اثر میدهیم — من میگویم دنبال کنند اینها را و دنبال میکنیم؛ خود من هم شاید با رئیس‌جمهور محترم در میان بگذارم بعضی از این مطالب را — لکن به نظرم شماها یک مقداری در این زمینه‌ها عملیاتی‌تر وارد بشوید.

چه پهلوی‌ها، چه قاجاری‌ها — این کشوری که آن سابقه‌ی علمی و فرهنگی را دارد، در قعر جدول رتبه‌بندی علمی دنیا قرار داشته، هیچ چیز نداشته، هیچ چیز نبوده.

من حالا امروز این را میخواهم بگویم: من میخواهم بگویم که ما برای ورود به یک فصل تازه‌ای از تحرک علمی باید خودمان را آماده کنیم؛ یعنی درست است که جهش علمی انجام گرفته، حرکت علمی خوب بوده، در یک جاهایی رتبه‌های بالای علمی پیدا کرده‌ایم، رتبه‌ی علمی‌مان در دنیا رتبه‌ی نسبتاً خوبی است — اینها هست — اما امروز ما احتیاج داریم به یک حرکت مبتکرانه‌ای از سوی دستگاه‌های علمی کشور تا عقب نیفتیم. ما حرکت کردیم، اما دیگران هم حرکت کردند؛ حتی عده‌ای از کشورهای منطقه با مشاهده‌ی پیشرفت ایران تشویق شدند به حرکت کردن، در حالی که عقب بودند؛ امروز ما به آمارها که نگاه میکنیم، می‌بینیم اینها خیلی جلو آمده‌اند. بیم آن وجود دارد که ما از مسابقه‌ی علمی دنیا عقب بمانیم؛ جداً این بیم وجود دارد. میدانید و بارها بنده گفته‌ام که «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ»؛ (۴) علم قدرت است. اگر بخواهیم کشور از آسیب‌های متعارف کشورهای دنیا مصون و برکنار بماند، در درجه‌ی اول، یک کار مهم پیشرفت علمی است؛ اگر عقب ماندیم، آسیب‌پذیر خواهیم شد؛ باید تلاش کنیم عقب نمانیم. این تلاشهایی که می‌گویم برای عقب نماندن باید بکنیم، اولاً شامل سرمایه‌گذاری مادّی است؛ یعنی دولت در زمینه‌ی مسائل علمی و پیشرفت علمی سرمایه‌گذاری کند — که بارها گفته‌ایم این هزینه نیست؛ این سرمایه‌گذاری، در واقع، زمینه‌سازی برای درآمد چندین برابر، درآمد مضاعف و به توان چند است — و همچنین وادار کنیم و زمینه‌سازی کنیم که بخش خصوصی در زمینه‌ی علمی سرمایه‌گذاری کند. پس هم سرمایه‌گذاری مادّی لازم است، هم

سرمایه‌گذاری از نوع نوآوری‌های علمی؛ یعنی محیط‌های علمی تلاش کنند [برای] ابتکار، نوآوری و جستجوی راه‌های میان‌بُر. همّت را باید روی این بگذاریم؛ یک سرمایه‌گذاری دوجانبه‌ای، هم مادّی و هم معنوی، لازم است. بنابراین، حرف اول من این است که جامعه‌ی علمی کشور، نخبگان کشور، امروز احتیاج دارند به یک حرکت جدید، به یک خیز جدید؛ این خیز جدید بایستی با استفاده از همراهی این دولت و همکاری مسئولان جوانی که درون بدنه‌ی دولت حضور دارند و همّت خود شما مجموعه‌ی نخبه‌ها — که حالا نمونه‌ای از آن مجموعه اینجا حضور دارید — انجام بگیرد. این عرض اول ما.

مطلب دوّم، نکته‌ی دوّم، درباره‌ی فرصت کنونی کشور ما است. بله، یک ملّت دارای استعداد میتواند رشد کند، اما این جور نیست که همیشه فرصت رشد داشته باشد. من نمیخواهم نسبت به آینده سوءتفاهمی به وجود بیاید؛ نه، به نظر بنده آینده، آینده‌ی روشن و امیدبخشی است، افق، افق روشنی است؛ اما تجربه‌ها و گذشته‌های خود ما به ما می‌گوید که بایستی از حال استفاده کنیم، از وضع موجود و از فرصت موجود باید حداکثر استفاده را بکنیم. گاهی پیش می‌آید که در مسیر یک ملّت — در هر بخشی؛ بخش سیاسی، بخش اجتماعی، بخش علمی — یک شیب‌های تندی پیدا میشود که اراده‌ی رفتن و صعود از این شیب‌ها وجود دارد، توانش وجود ندارد؛ گاهی این‌جوری است، چون زیرساخت‌هایی باید باشد که نیست، امکاناتی باید باشد که نیست؛ اراده هست، توان نیست. گاهی حتی اراده هم نیست؛ به‌خاطر یأس، به‌خاطر بدبینی به خود، بی‌اعتقادی به توانایی خود یا نشناختن موقعیت. بنابراین، گاهی یک مواردی پیش می‌آید که اراده‌ی حرکت هم وجود ندارد. حتی گاهی مثل دوران طاغوت، پیشرفت را یا صعود از این شیب تند را اصلاً

به این آمار! آمار واضح روشنی است — جوان دانش‌آموخته یا در حال دانش‌آموزی داریم، دانشجو داریم؛ چند میلیون! این ثروت چیز کمی است؟ و حالا اگر هم نگوییم همه، بسیاری [از آنها] باانگیزه هستند، روحیه‌ی انقلابی در کشور وجود دارد، رسوخ دارد. همین بیاناتی که این چند جوان عزیز اینجا بیان کردند که «ما آماده هستیم، ما پیشنهاد داریم»، اینها خیلی ارزشمند است. پس هم اراده هست، انگیزه هست، تصمیم هست برای پیشرفت، هم توانایی هست؛ خوب از این استفاده کنیم. اگر از این فرصت وجود «خواستن و توانستن» — که امروز هست — استفاده نکنیم، ظلم کرده‌ایم. چه کسی باید از این فرصت استفاده کند؟ هم مسئولین باید استفاده کنند، هم خود نخبه‌ها، هم خود مراکز علمی باید استفاده کنند؛ اگر نکنیم، ظلم کرده‌ایم؛ به کشورمان ظلم کرده‌ایم، به تاریخمان ظلم کرده‌ایم. همه مسئولیم؛ بنده هم مسئولم، مسئولان دولتی و اجرائی هم مسئولند، شما جوانها هم مسئولید، وزرای محترم دستگاه‌های علمی و مرتبطین مراکز علمی هم که مسئولیت دارند مسئولند. همه باید تلاش کنیم تا این حرکت علمی، این چیز جدیدی که بنده توقع دارم — یعنی یک حرکت مبتکرانه، راه‌های میان‌بر، جهش جدید، خیزش جدید — اتفاق بیفتد. این مسئولیت بر دوش همه‌ی ما هست.

به مناسبت ذکر مسئولیت، نکته‌ی سومی را من یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم و آن نکته این است که علم مسئولیت‌آور است، مثل همه‌ی دارایی‌های دیگر، مثل همه‌ی ثروتهای دیگر. دارایی مسئولیت‌آور است؛ دارایی فکری، دارایی مالی، دارایی قدرت، اینها همه مسئولیت‌آور است. هر دارایی‌ای که خدای متعال به شما داده، در قبالتش مسئولیتی گماشته و قرار داده؛ علم هم از جمله‌ی همین دارایی‌های ارزشمند است. [شما که] علم دارید،

ناممکن میدانند! واقعاً در دوره‌های گذشته‌ی ما یک مواردی اتفاق افتاده که میگفتند اصلاً ممکن نیست. آن داستان لوله‌نگ نخست‌وزیر زمان شاه معروف است، (۵) شنیده‌اید. آن وقتی که صحبت صنعت نفت و استقلال نفتی کشور و ملی کردن صنعت نفت شد — قبل از اینکه مصدق سر کار بیاید؛ مال زمان کودکی بنده است، اما من یادم هست — آن وقت در مجلس شورای [ملی] آن روز یک اقلیتی بودند با سردمداری دکتر مصدق، اینها اصرار میکردند که ما بایست صنعت نفت را ملی کنیم؛ نفت ما دست انگلیس‌ها بود، [میگفتند] این را ملی کنیم. نخست‌وزیر آن روز کشور یک سخنرانی کرد و گفت «چه میگویند اینها که میگویند صنعت نفت را ملی کنیم؟ ملت ایران مگر میتواند نفت را اداره کند؟ ما یک لوله‌نگ درست نمیتوانیم بسازیم.» میدانید لوله‌نگ چیست؟ لوله‌نگ آفتابه‌ی گلی است؛ من دیده بودم؛ آن قدیمها در بعضی از روستاها آفتابه درست میکردند، نه از مس و مثلاً حلبی و مانند اینها که معمول بود، [بلکه] از گل. میگفت «ما در حد آفتابه‌ی گلی، در حد لوله‌نگ هستیم؛ ایرانی [مگر] میتواند نفت را اداره کند؟» این، آن وقت معروف شد. حالا نفت آن روز چه بود که بنا بود اداره بشود؟ این پالایشگاه آبادان؛ آن چیزی که باید اداره میشد پالایشگاه آبادان بود. میگفتند ایرانی که نمیتواند پالایشگاه اداره کند! یعنی اعتقاد این بود. خوب، پس مواردی این‌جوری پیش می‌آید؛ حالا به آن شدت نه، اما در مراحل گوناگونی اراده ضعیف میشود برای حرکت کردن.

امروز بنده به کشور که نگاه میکنم، به وضع عمومی کشور که نگاه میکنم، بحمدالله میبینم این مشکلات وجود ندارد؛ یعنی هم اراده‌ی حرکت وجود دارد، هم توانایی حرکت وجود دارد. این «توانایی» که من میگویم شعار نیست، این واقعیت است. ما چند میلیون — توجه کنید

سه مرتبه بحث کرده‌ام. (۷) من تصور میکردم تذکراتی که قبلاً داده شده کفایت کرده، یعنی کار را درست کرده، [اما] شنیدم این جور نیست. مقاله‌ی علمی را شرط ارتقاء هیئت علمی قرار دادن، به نظر من هیچ منطقی ندارد؛ یعنی واقعاً انسان نمیتواند این را هضم بکند. بنده در اینکه ما در مسابقه‌ی علمی دنیا باید سهمیم باشیم، شریک باشیم، شرکت کنیم، تردیدی ندارم، حتماً این کار باید انجام بگیرد؛ اما اینکه ما همه‌ی اساتید خودمان را و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور خودمان را موظف کنیم که اگر میخواهید ارتقاء پیدا کنید، باید بروید پیش فلان مجله‌ی معروف دنیا یا مرکز علمی دنیا امتحان بدهید — مقاله‌نویسی یعنی این دیگر؛ یعنی مشخص بشود رتبه‌ی علمی شما از نظر فلان مرکز چه رتبه‌ای است — من این را منطقی نمیبینم. بله، مقاله‌نویسی خوب است؛ اینکه تعدادی از اساتید میز کشور در رشته‌های خاص خودشان تحقیقات بکنند، مقالات استنادی قابل توجه در مطبوعات معتبر دنیا و مراکز علمی دنیا منتشر کنند، بنده با این کاملاً موافقم، این کار باید انجام بگیرد؛ اما اینکه ما شرط ارتقاء را مقاله قرار بدهیم، یعنی این را تعمیم بدهیم به کل [اساتید]، این به نظر من کار منطقی‌ای نیست. البته مقاله‌های خوب میتوانند شهرت و اعتبار علمی کشور را بالا ببرند؛ این هست. باید راه‌های مناسبی پیدا بشود و دستگاه‌های مدیریت علمی کشور راه‌هایی را [پیدا کنند] برای اینکه این شهرت و اعتبار علمی کشور در رتبه‌بندی‌های جهانی تنزل نکند.

من در مورد مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها بارها عرض کرده‌ام (۸) که هدف مقالات علمی، مقالات پژوهشی و پایان‌نامه‌ها باید کمک به مسائل کشور باشد؛ هدف اصلی این است. فراموش نکنیم این نکته‌ای را که چند لحظه پیش گفتم:

این علم، شما را مسئول میکند. «مسئول میکند» یعنی چه؟ یعنی باید، هم از علمتان به نفع مردم استفاده کنید، هم از اعتباری که این علم به شما داده به نفع مردم استفاده کنید. گاهی یک عالم میتواند از اعتباری که در جامعه دارد، در زمینه‌ای غیر از زمینه‌ی علم خودش و تخصص خودش به سود مردم استفاده کند. این مسئولیت هست. شما اگر در دانش هسته‌ای، دانش پزشکی، فیزیک، مدیریت یا هر دانش دیگری یک رتبه‌ی علمی‌ای به دست آورید، این طبعاً برای شما در هر دو جهت مسئولیت ایجاد میکند؛ یعنی هم خود آن دانش در خدمت به مردم باید قرار بگیرد و هم آن اعتباری که شما به خاطر این علم پیدا میکنید. این جمله‌ی معروف امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این زمینه، حرف را تمام میکند: *وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَرُّوا عَلَى كِبَالِهِمْ وَ لَا سَعَبَ مَظْلُومٍ؛ (۶)* یعنی خدای متعال این تعهد را از علما گرفته، از دانشمندان گرفته که در این زمینه تحمل نکنند «کِبَالِهِمْ» و «سَعَبَ مَظْلُومٍ» را؛ نباید تحمل کنند پُرخوری ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده را؛ *إِلَّا يُقَرُّوا*. باید عکس‌العمل نشان بدهیم، واکنش نشان بدهیم. امروز، در قضیه‌ی غزه، این [وظیفه‌ی] واکنش بر دوش همه‌ی ما وجود دارد؛ باید واکنش نشان بدهیم؛ عده‌ای گرسنه‌اند، عده‌ای زیر بمبارانند، عده‌ای دارند صد تا صد تا به شهادت میرسند. در این جبهه‌بندی‌های متعددی که وجود دارد در سطح جهان، در سطح کشور، عالم — چه عالم دانشگاه، چه عالم حوزه — باید اولاً تلاش کند حق را بشناسد، حق مشخص بشود، در کنار حق بایستد؛ بی تفاوتی، نگاه کردن بی تفاوت، برای عالم و دانشمند جایز نیست.

نکته‌ی بعدی درباره‌ی این شیوه‌ی عملیاتی رایجی است که چند بار هم بنده درباره‌ی آن صحبت کرده‌ام و آن، مسئله‌ی مقالات علمی است. بنده در این زمینه تا حالا دو

نخبه دو توقع از دستگاه مدیریت کشور دارد: یکی اینکه یک اشتغالی داشته باشد، مشغول باشد، کار کند، دوّم اینکه امکان تداوم مطالعات و تحصیلات داشته باشد. یکی از چیزهایی که جاذبه‌ی بیرون رفتن نخبه‌ها است این است که آنجاها امکان تحقیقات و پیشرفتها و مانند اینها وجود دارد؛ این امکان را و اشتغال را اینجا برایشان فراهم بکنیم. من امروز میخواهم بگویم [اگر] توقع نخبه را خلاصه کنیم، میشود اینکه نخبه میخواهد احساس کند که در کشور مفید است.

راههایی وجود دارد برای این کار. حالا امروز خوشبختانه دو سه مرتبه صحبت این شرکتهای دانش‌بنیان شد، من هم همین را یادداشت کرده‌ام؛ یکی از بهترین راههایی که نخبه احساس کند مفید است تشکیل شرکتهای دانش‌بنیان است. شرکتهای دانش‌بنیان، هم پیشرفت اقتصادی به کشور میدهد، هم نشاط در کشور ایجاد میکند، هم پیشرفت علمی به کشور میدهد، هم نخبه‌ها را حفظ میکند و از وجود نخبه‌ها برای کشور استفاده میشود. بنابراین، من تأکید میکنم که شرکتهای دانش‌بنیان را تقویت کنید. و یکی از راههای تقویت این است که محصولات این شرکتها دیگر از خارج وارد نشود. در همین اواخر، چند گزارش شکایت‌آمیز به من شده که شرکت دانش‌بنیان میگوید «ما این محصول را تولید میکنیم، فلان دستگاه اداری که مصرف‌کننده‌ی این محصول است، این را از خارج وارد میکند»؛ چرا؟ باید یاد بگیریم، عادت کنیم — بخصوص دستگاه‌های دولتی که غالباً جزو مشتری‌های مهم این محصولات هستند — که از محصول داخلی استفاده کنیم. این مسئله که این همه تکرار میشود، اولین مخاطبش خود ما هستیم، خود مسئولین هستند، دستگاه‌های دولتی هستند، دستگاه‌های حکومتی هستند؛ اینها بایستی از محصولات داخلی

حضور در مسابقات علمی جهانی لازم است، اما هدف واقعی این است که ما با این مقالات، با این پژوهش علمی، مشکلی از مشکلات کشور را حل کنیم. همین مسائلی که الان اینجا گفته شد و مطرح شد — مسئله‌ی محیط زیست، مسئله‌ی طب سنتی، مسئله‌ی خودرو — اینها خوب مسائل کشور است و صدها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ اگر بخواهیم از طریق علم، با روش علمی و عالمانه این مسائل را حل کنیم، احتیاج به همین مقالات و پژوهشها است؛ پس باید مقالات ما، پایان‌نامه‌های دانشجویان ما، ناظر به این مشکلات باشد که آنها را حل کند. واقعاً همه‌ی زمینه‌ها، از بهداشت و سلامت، مسکن، امنیت، تا تغذیه، خانواده، محیط زیست، تا اصلاح ساختارهای حکومتی — اصلاح ساختارهای حکومتی! این یکی از موضوعات است — تا ارتباطات بین‌الملل، میدانی است برای کار علمی؛ کارهای علمی، تحقیقات علمی، این جور باشد. ما پابند نباشیم به کارهای روزنامه‌ای — به تعبیر فرنگی «ژورنالیستی» — که یک نفری بردارد در یک روزنامه‌ای یک مقاله‌ای مثلاً درباره‌ی ارتباطات بین‌الملل، درباره‌ی مسائل سیاسی و مانند اینها بنویسد؛ به اینها متکی نباشیم؛ کار علمی درستی انجام بگیرد.

نکته‌ی آخر در این باب، وظیفه‌ی مسئولان است. خوب خوشبختانه اینجا آقایان وزرا و معاون محترم رئیس‌جمهور و مسئولان مختلف حضور دارند. آن چیزی که من میتوانم به طور خلاصه در این باب عرض کنم این است: مسئولین باید کاری کنند که نخبه احساس کند مفید است، احساس مفید بودن بکند. یکی از علل همین مهاجرتها و رفتن‌هایی که حالا مطرح است در دهنها و روزنامه‌ها — و بعضی‌ها هم یک خرده مبالغه‌آمیز حرف میزنند در این زمینه — این است که این نخبه احساس میکند که اینجا کاری ندارد. بنده در تذکرات قبلی گفته‌ام (۹) یک فرد



ناستفاده کنند و در درجه‌ی اوّل از همین محصولات شرکتهای دانش‌بنیان.

خب، عرایض ما تمام شد. یک مطلب کوتاه، یک کلمه، درباره‌ی قضایای جاری فلسطین و غزه عرض میکنم. در قضیه‌ی فلسطین، آنچه جلوی چشم همه‌ی دنیا است جنایت نسل‌کشی رژیم غاصب است؛ این را همه‌ی دنیا دارند مشاهده میکنند. مسئولین بعضی از کشورها که با مسئولین کشور ما صحبت کردند، در دفاع از رژیم غاصب صهیونیستی، اعتراضشان این بوده که چرا فلسطینی‌ها غیرنظامی‌ها را کشتند. اوّل این حرف، خلاف واقع است؛ یعنی اصلاً اینهایی که در شهرکها و مانند اینها هستند غیر نظامی نیستند، همه مسلّحند. حالا گیرم غیر نظامی [باشند]؛ چه تعداد غیر نظامی کشته شدند؟ صد برابر آنها را الان این رژیم غاصب از زن و بچه و پیر و جوان غیر نظامی دارد میکشد. داخل این ساختمانهای غزه که نظامی‌ها ساکن نیستند — نظامی‌ها جاهای خودشان هستند، آنها هم میدانند — اینها همین مردمند. مراکز پُرجمعیت را انتخاب میکنند و میزنند. فلسطینی‌ها در غزه، در همین چند روز، چند هزار [نفر] تا حالا کشته داده‌اند! این جنایت جلوی چشم همه‌ی مردم دنیا است. اینها باید محاکمه بشوند؛ دولت غاصب رژیم صهیونیستی امروز قطعاً باید محاکمه بشود؛ آنها باید محاکمه بشوند، دولت آمریکا هم بایستی مسئولیت خودش را در این قضیه بشناسد.

آن طوری که اطلاعات متعدّد به ما میگوید، سیاست جاری این روزها، یعنی همین هفته‌ی اخیر داخل رژیم صهیونیستی را آمریکایی‌ها دارند تنظیم میکنند؛ یعنی سیاست‌گذار، آنها هستند و این کارهایی که دارد انجام میگیرد سیاست آمریکایی‌ها است. آمریکایی‌ها مسئولیت

خودشان را مورد توجّه قرار بدهند؛ مسئولند. بمبارانها باید فوراً قطع بشود. ملت‌های مسلمان عصبانی‌اند، جدّاً عصبانی‌اند؛ نشانه‌هایش را شما دارید می‌بینید: اجتماعات گروه‌های مردم، نه فقط در کشورهای اسلامی، [بلکه] در لس‌آنجلس، در هلند، در فرانسه، در کشورهای اروپایی؛ در کشورهای غربی، مردم اجتماعات میکنند — مسلمان و غیر مسلمان — در کشورهای اسلامی هم که روشن است. مردم عصبانی‌اند. اگر چنانچه این جنایت ادامه پیدا کند، مسلمانها بی‌تاب میشوند، نیروهای مقاومت بی‌تاب میشوند، دیگر کسی جلوی اینها را نمیتواند بگیرد؛ این را بدانند. [بعد،] از کسانی توقع نکنند که «نگذارید فلان گروه، فلان کار را بکند»؛ کسی نمیتواند جلوی اینها را بگیرد وقتی بی‌تاب شدند؛ این یک واقعیتی است که وجود دارد. البته رژیم صهیونیستی هر کار هم بکند، جبران شکست مفتضحانه‌ای را که در این قضیه خورد نخواهد توانست بکند. (۱۰) خب، جمله‌ی آخر را شما بیان کردید دیگر؛ ممنون.

والسّلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته

در ابتدای این دیدار، هفت نفر از نخبگان به بیان (۱) دیدگاه‌ها و نظرات خود پرداختند. همچنین آقای روح‌الله دهقانی فیروزآبادی (معاون علمی، فتاوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان) گزارشی ارائه کرد.

معاونت توسعه‌ی روستایی و مناطق محروم کشور (۲)

از جمله بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، (۳)

پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فتاوری

(۱۳۹۴/۸/۲۰))

ابن‌ابی‌الحدید. شرح نهج‌البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۹ (۴)

سپهد حاجعلی رزم‌آرا، نخست‌وزیر وقت رژیم پهلوی (۵)

تولیدات چند رسانه‌ای و جذب مخاطب در نظر گرفته شد.

مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل استانداری تهران تصریح کرد: ۷۵ موبک فعال در فضای مجازی که آثار خود را در مهلت مقرر ارسال کرده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند که ۱۰ موبک با توجه به فعالیت‌ها و معیارها مشخص شده، شایسته تقدیر شناخته شدند.

صائبی سپس گفت: در گروه اول موبک محبان الرضا (شهید همدانی)، موبک زینبیه؛ گروه دوم موبک محبان الرضا، موبک سلام یا مهدی؛ گروه سوم موبک امام رضایی‌ها، موبک خدام الحسین؛ گروه چهارم موبک عبدالعظیم حسنی، موبک آل محمد هیئت مکتب الزهرا؛ گروه پنجم موبک رقیه السادات و موبک سید الشبیب به عنوان موبک برتر معرفی شدند.

وی خاطرنشان کرد: امید است با توجه به اهمیت فعالیت، حضور و تولیدات اثرگذار جهت ترویج و تبلیغ شعائر دینی، دبیرخانه کمیته اطلاع رسانی ستاد اربعین استان تهران در طول سال به فعالیت خود برای برنامه‌ریزی و حمایت به منظور ادامه فعالیت خواهد داد.



برخوردی مستبدانه با برخی از نمایندگان مجلس، در پاسخ به درخواست آنها مبنی بر ملی شدن صنعت نفت، برای اثبات ناتوانی ملت ایران از اداره‌ی منابع نفتی خویش فریاد زد: «ملّتی که لیاقت لوله‌نگ‌سازی ندارد چگونه «میتواند صنعت نفت را اداره کند؟»

علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۱ (۶)

از جمله، بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی کشور (۷  
۱۳۹۶/۷/۲۶))

از جمله بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و (۸  
پژوهشگران دانشگاه‌ها (۱۳۹۷/۳/۲۰))

بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر تحصیلی (۹  
۱۴۰۱/۷/۲۷))

شعار «مرگ بر اسرائیل» حضار (۱۰)

## ۱۰ موبک برتر برنامه‌های پیاده روی اربعین در پایتخت معرفی شدند



به گزارش خبرنگار مهر، محمد صائبی صبح دوشنبه در جمع خبرنگاران با اشاره به برنامه‌های فرهنگی پیاده‌روی اربعین اظهار داشت: در کنار این مراسم معنوی، برنامه‌های فرهنگی مختلف اجرا و مقرر شد برترین موبک‌های استان تهران اعلام شوند.

وی با اشاره به محورهای ارزیابی موبک‌ها افزود: ارزیابی در حوزه‌های تبلیغات، اطلاع‌رسانی، جذابیت بصری،

سطح ملی و پس از مهاجرتشان به تهران، پرآوازه شده و در جشنواره های بین المللی نیز درخشیده اند یا برخی فیلم های کوتاه فیلمسازان جوان استان در جشنواره های خارجی به عناوین برتر زیادی دست یافته اند.

سینمای خراسان رضوی که برآیند تولیدات سالانه آن در جشنی تحت عنوان جشن سیمرغ سینمای استان به رقابت گذاشته می شود به نظر می رسد هنوز تا رسیدن به معیارهای استاندارد یک جشن یا جشنواره فاصله زیادی دارد. سینمای خراسان رضوی که برآیند تولیدات سالانه آن در جشنی با عنوان سیمرغ سینمای استان به رقابت گذاشته می شود به نظر می رسد هنوز تا رسیدن به معیارهای استاندارد یک جشن یا رویداد هنری فاصله زیادی دارد و باید دست اندرکاران و متولیان استان در این خصوص طرحی نو دراندازند.

امسال پنجمین جشن سیمرغ سینمای خراسان رضوی با نمایش ۵۵ اثر از تولیدات سینمایی استان در پردیس سینمایی پارک بازار مشهد از ۲۷ شهریورماه به اجرا درآمده است که قرار است آثار برتر آن امروز ۲۹ شهریور همزمان با دومین جشن مهر سینمای ایران در مشهد از سوی داوران معرفی شود.

به سراغ فیلمسازانی که آثار آنان در بخش نمایش جشن سیمرغ سینمای خراسان رضوی به نمایش درآمده بود، رفتیم تا نظر آنان را در خصوص کم و کیف برگزاری این رویداد جویا شویم.

یکی از مستندسازان جوان خراسانی که از دانشجویان پیشین انجمن سینمای جوانان ایران بوده و فیلم او در

## سیمرغ سینمای خراسان رضوی و انتظار فیلمسازان از این رویداد استانی + فیلم



مشهد- ایرنا- پنجمین جشن سیمرغ سینمای خراسان رضوی در حالی به آخرین روز برگزاری خود رسیده است که این رویداد هر ساله بر دامنه توقعات و انتظارات فیلمسازان جوان این خطه برای برپایی جشنی درخور این استان و ظرفیت های بالای آن در حوزه فیلمسازی می افزاید.

به گزارش ایرنا، سیمرغ آرزوهای جوانان فیلمساز خراسان رضوی هنوز به پرواز درنیامده است تا بال گشوده و بر ستیغ جشنواره ملی فجر یا جشنواره فیلم کوتاه تهران فرود آید، زیرا از دیدگاه فیلمسازان جوان استان می طلبد که غربالگری فیلم ها برای نمایش در جشن سالانه سینمای استان دقیق تر و با وسواس بیشتری انجام گیرد.

فیلم های کوتاه و در مجموع تولیدات سینمایی خراسان رضوی به دلایلی در جشنواره های داخلی توفیق زیادی ندارند، هر چند آثار برخی از فیلمسازان بنام استان در

این فیلمساز جوان سهم جوانانی مانند خود در پنجمین جشن سیمرغ سینمای خراسان رضوی را بسیار مطلوب ارزیابی کرد و گفت: فیلمسازان برای ساخت فیلم به تنهایی هزینه می کنند و برای دیده شدن آثارشان و کیفیت بخشی به آنها نیاز به حمایت بیشتری از سوی متولیان فرهنگ و هنر و فعالان این بخش دارند.

جشن نه، جشنواره

نسیم سهیلی از مستندسازان شناخته شده خراسان رضوی است که آثار ویژه ای در خصوص زنان شاخص استانهای مختلف ساخته و در جشنواره های مختلف به نمایش درآمده است. او امسال فیلم ایل بانو را به جشن سیمرغ سینمای خراسان رضوی آورده است که به عنوان یکی از آثار مستند و خوب به نمایش درآمده و مورد استقبال نیز قرار گرفت.

سهیلی درباره اثرش به خبرنگار ایرنا گفت: مستند ایل بانو در باره یک زن فعال فرهنگی در دهستان ویلایی استان کهگیلویه و بویراحمد است که با حمایت صدا و سیما آن استان ساخته شده و برای اولین بار در جشن سیمرغ سینمای خراسان رضوی به نمایش درآمده است.

وی درباره کیفیت برگزاری پنجمین جشن سیمرغ سینمای خراسان رضوی گفت: من پارسال انتقادی به نحوه برگزاری این جشن داشتم که امسال نیز همان ضعف را در این رویداد مشاهده کردم و آن هم سطح داوران این جشن است.

پنجمین جشن سیمرغ سینمای خراسان رضوی به نمایش درآمده است، معتقد است که باید جشن ها یا جشنواره هایی مانند سیمرغ سینما در استان بیشتر برنامه ریزی و برگزار شود.

امیررضا صفایی تبار به خبرنگار ایرنا گفت: هر چقدر جشن یا جشنواره هایی مانند جشن سیمرغ سینمای استان در طول سال بیشتر برگزار شود، انگیزه جوانان فیلمساز برای ساخت فیلم و شرکت در چنین رویدادهایی بیشتر می شود و متاثر از آن کیفیت کارها نیز افزایش می یابد.

وی بیان کرد: انتظار می رود که جشنواره های تولیدات سینمایی خراسان رضوی به صورت فصلی نیز برگزار شود تا علاوه بر حضور پرتعداد جوانان، فعالان اقتصادی و کسانی که می توانند حامی فیلمسازان باشند به شناخت بیشتری از استعدادهای این بخش رسیده و به حمایت از فیلمسازان راغب شوند.

وی درباره فیلم مستندش که در پنجمین جشن سیمرغ سینمای خراسان رضوی به نمایش درآمده است، گفت: مستند آخرین وداع درباره زندگینامه دکتر حسین امینی، نویسنده، شاعر و استاد دانشگاه فقید دانشگاه فردوسی مشهد است که همسر ایشان هر ساله مراسم یادبودی در قالب برگزاری شب شعر و چاپ و نشر اشعار و نوشته هایش برای وی برگزار می کند.

صفایی تبار بیان کرد: این مستند در سال ۱۴۰۰ در مشهد ساخته شده که ۲۵ دقیقه است و زندگی و آثار مرحوم دکتر امینی و مراسمی را که همسر ایشان هر ساله برای او برگزار می کند، به تصویر می کشد.

سینمای خراسان رضوی به نمایش گذاشته شود، باید ۱۰ فیلم خوب برای نمایش انتخاب می شد، زیرا من از بین فیلم هایی که دیدم فقط سه یا چهار فیلم را قابل قبول یافتم، برخی از آثار اصلا فیلم نبودند، گویی هیچ معیاری برای انتخاب فیلم ها برای نمایش در میان نبوده است.

سهیلی افزود: خراسان رضوی بعد از تهران بیشترین بودجه حوزه سینما را دارد اما نمی دانم چرا اغلب فیلم های تولیدی آن ضعیف است و حتی حضور فیلم های استان در جشنواره های دیگر داخلی نیز چندان قوی نیست و باید این مشکل بررسی و واکاوی شود.

سینمای استان حامی می خواهد

یکی دیگر از فیلمسازان خراسان رضوی که فیلمش در پنجمین جشن سیمیرغ سینمای استان به نمایش درآمده است به خبرنگار ایرنا گفت: جشن سیمیرغ استان می تواند بستر تولیدات آثار آینده سینمای خراسان رضوی را فراهم کند، استعدادهای جدید می توانند مسیر رشد و اعتلای خود را از طریق این رویدادها پیدا کنند یا توانمندی خود را به نمایش بگذارند.

صادق رضانی مقدم گفت: این جشن می تواند زمینه حمایت مجموعه سینمایی استان را از جوانان و استعدادهای جدید این عرصه فراهم کند تا بتوانند آثار بهتری را در سالهای آینده رقم بزنند لذا لازم است نگاه این جشنواره به تولید آثار در سالهای آینده تغییر کند.

وی اظهار داشت: جشن سیمیرغ سینمای خراسان رضوی یکی از جشنواره های خوب استانی است که می تواند

این مستندساز گفت: هرچند داوران حاضر از جشن، نفرات کارآزموده و پیشکسوت در عرصه فیلمسازی خراسان رضوی هستند اما به نظر می رسد متولیان می توانند با انتخاب داورانی با عیار بالاتر، سطح جشن سیمیرغ سینمای خراسان رضوی را نیز بالا ببرند.

به جای اینکه ۵۵ فیلم برگزیده فیلمسازان خراسان رضوی در پنجمین جشن سیمیرغ سینمای خراسان رضوی به نمایش گذاشته شود، ۱۰ فیلم خوب برای نمایش انتخاب می شد، زیرا من از بین فیلمهایی که دیدم فقط سه یا چهار فیلم را خوب دانستم، برخی از آنها اصلا فیلم نبودند، گویی هیچ معیاری برای انتخاب فیلمها برای نمایش نبوده است. به گفته سهیلی، گاهی جشنواره ها به فیلم ها اعتبار می دهند، گاهی فیلم ها به جشنواره ها و گاهی هم داوران به جشنواره ها اعتبار می بخشند.

وی ادامه داد: افزون بر این بهتر است بعد از چهار دوره برگزاری جشن سیمیرغ سینمای خراسان رضوی، این رویداد از حالت جشن خارج شده و به یک جشنواره تبدیل شود و بدین منظور از حضور داوران حرفه ای بهره گرفته می شد

سهیلی اظهار داشت: انتقاد دیگر من به این جشن، حضور پرتعداد آثار است، در هر صورت جشن سیمیرغ سینمای خراسان رضوی یک رویداد رقابتی است و هفته فیلم و عکس استان نیست که همه فیلم های تولیدات استان در آن به نمایش درآید.

به گفته این مستندساز، به جای اینکه ۵۵ فیلم برگزیده فیلمسازان خراسان رضوی در پنجمین جشن سیمیرغ

تا ۲۹ شهریورماه در پردیس سینمایی پارک بازار مشهد برگزار شد که از زمان اعلام فراخوان پنجمین جشن سینمای سیمیرغ خراسان رضوی در ۱۹ تیرماه تا پایان ۱۲ مرداد امسال، در مجموع ۱۱۶ اثر از تولیدات سینمایی استان اعم از مستند، داستانی و کوتاه به دبیرخانه این جشن رسید که پس از بررسی آثار ۵۵ اثر برای نمایش در این رویداد انتخاب شد.

وی بیان کرد: سه نفر از فعالان شناخته شده عرصه سینمای استان خراسان رضوی شامل عادل تبریزی، سعید زارعیان و سیدمحمد مداح حسینی داوری آثار پنجمین جشن سیمیرغ سینمای خراسان رضوی را برعهده دارند.

وی اظهار داشت: جشن سیمیرغ سینمای خراسان رضوی یکی از جشنواره های خوب استانی است که می تواند اتفاقات خوبی را رقم بزند، اینکه فیلمسازان استان می توانند آثار خود را در یک مکان و با هم به تماشا بنشینند و به دستاوردها، نقاط قوت و ضعف خود پی ببرند، اتفاق مبارکی است.

وی بیان کرد: فیلمسازان در یک رقابت سازنده در جشن سیمیرغ سینمای خراسان رضوی کنار هم قرار گرفته و ظرفیتهای خود در بخشهای فنی، کارگردانی، بازیگری، نویسندگی و ... را یکجا دیده و ارزیابی می کنند.

این فیلمساز جوان گفت: فیلم داستانی مرد نبرد من امسال در پنجمین جشن سیمیرغ سینمای خراسان رضوی به نمایش درآمد که پانزدهمین اثری است که در ژانر فیلم کوتاه ساخته ام.

رییس گروه سینمایی و سمعی - بصری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی نیز در گفت و گو با خبرنگار ایرنا، استقبال از پنجمین جشن سیمیرغ سینمای استان را که با هدف شناسایی و معرفی استعدادهای سینمایی، تثبیت جایگاه فیلم های کوتاه و بلند به عنوان یکی از مقوله های مهم فرهنگی و جلب حمایت های هرچه بیشتر مسوولان استانی برگزار شده است، مطلوب خواند و گفت: استقبال در حدی بود که پردیس سینمایی پارک بازار، مجبور شد در روز دوم جشنواره بزرگترین بزرگترین سالن خود را به نمایش فیلمها اختصاص دهد.

سوسن محمدزاده افزود: این جشن توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و انجمن سینمای جوانان ایران - خراسان رضوی با نمایش فیلم ها در روزهای ۲۷

@totayar.ir اینستاگرام @sayes\_man

@totayar سروش و ایتا و آی گپ

تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

www.sayesman.ir



نشست خرده روایت‌های هنرمندان از اربعین ۱۴۰۲ به همت پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و با حضور کوروش زارعی، مدیر مرکز هنرهای نمایشی و کارگردان و بازیگر، سید احسان باقری عکاس، هاجر سلیمی‌نمین تصویرگر، مرتضی حیدری آل‌کثیر شاعر، رضا گلپایگانی معمار و طراح داخلی و پرستو علی‌عسگرنجداد، نویسنده در سالن ماه حوزه هنری انقلاب اسلامی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی حوزه هنری، احسان باقری (عکاس) در این نشست اربعین را ظرفیت تمدنی و یک سبک زندگی دانست که نباید صرفاً در ایام محرم و صفر به آن پرداخت.

وی با بازگو کردن خاطره‌اش از اولین تجربه سفر اربعین خود در سال ۱۳۸۳ به محدودیت موبک‌ها و پذیرایی ساده عراقی‌ها اشاره کرد و با بیان اینکه در آن زمان علاقه‌مند به عکاسی بوده و بیشتر خود را راوی و نقال می‌دید به چگونگی آغاز عکاسی اربعین و انتقال آنچه در عراق رخ می‌دهد به مخاطبان ایرانی پرداخت.

باقری اظهار کرد: تا سال ۱۳۸۷ هیچ خبری از اربعین دیده و شنیده نمی‌شد و خیلی از حرف‌ها آن زمان تازگی داشت. با انتشار کتاب «پیاده آمده‌ام» تصمیم داشتم بگویم در اربعین چه خبر است و پیاده‌روی خیل مشتاقان امام حسین (ع) را نشان دهم؛ چراکه هیچ گزارشی از قبل از اربعین وجود نداشت و من به یاد دارم که این کتاب در آن زمان منبعی برای گزارشات شده بود.

هیچ هنری نمی‌تواند منعکس‌کننده اربعین باشد

وی با تأکید بر اینکه هیچ هنری نمی‌تواند منعکس‌کننده تمام و کمال اربعین باشد تصریح کرد: هنر، گویا وقتی به اربعین می‌رسد دستش بسته است. من در جریان سفرهایم به عراق در اربعین، یکسال فقط به عکاسی پرتره، یکسال غذا، یکسال خواندن زیارت اربعین مقابل حرم و... پرداختم و هر سال سعی داشتم فضای جدیدی را به تصویر بکشم.

این عکاس در ادامه به نمایشگاه «رویای بهشت» که مهر سال ۱۴۰۰ در باغ هنر برگزار شد اشاره کرد و افزود: این نمایشگاه ماحصل پروژه‌های مختلفی است که در ۱۲ یا ۱۳ سفر اربعین جمع‌آوری کردم و در زمان شیوع کرونا به نمایش درآمد. در این نمایشگاه سه هزار پرتره در قالب نمایشگاه در معرض دید قرار گرفت. من به دنبال این بودم که با کارهای جدید و اتفاقات تازه به تصویر درستی از اربعین برسیم و بتوانیم در فضاها و کشورهای مختلف آن را به نمایش بگذارم.

رویای بهشت» نمایشگاه سه هزار پرتره»

باقری با بیان اینکه ارائه ۳ هزار پرتره در نمایشگاه «رویای بهشت» هم به لحاظ هنری و هم کیفی در هیچ جای دنیا سابقه نداشته است، به ظرفیت ارائه این آثار در کشورهای دیگر اشاره کرد و یادآور شد: عکاسی که هدفمند باشد از آنچه میزبانان رقم می‌زنند یا در خانه‌هایشان وجود دارد، داستان هر یک از این افراد، چگونگی ارتباطشان با مردم و اینکه چطور در طول سال برای اربعین مهیا می‌شوند و اینکه خانه‌هایشان کجاست، عکاسی می‌کند.

باقری همچنین گفت: آنچه از اربعین می‌دانیم با آنچه قابل روایت است تفاوت دارد و ما تازه در شروع مسیر هستیم و بعد از گذراندن هیجان و دیدن جمعیت، وارد شدن به زندگی آدم‌ها و اتفاقاتی که در حال وقوع است فرصت خوبی است که باید با ایجاد انس و الفت میان عکاسی، داستان و دیگر قالب‌های هنری انعکاس داده شود.

وی با تاکید بر اهمیت نقال بودن و راوی بودن از اربعین بیان کرد: در نمایشگاه «رویای بهشت» بسیاری از افراد را دیدم که اربعین را نمی‌شناختند و یکی از بازخوردهای عجیب در نمایشگاه «رویای بهشت» این بود که خیلی‌ها با این تجربه آشنا نبودند و قرار گرفتن در فضای نمایشگاه برایشان جالب شده بود.

افزایش اجراها به زبان عربی

در بخش بعدی این جلسه، کوروش زارعی، مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری به تاثیر برگزاری هفتمین همایش بین‌المللی تئاتر مردمی اربعین «روایت راهیان» در جلب مخاطب پرداخت.

وی با اشاره به شکل‌گیری همایش بین‌المللی تئاتر مردمی اربعین از سال ۱۳۹۵ گفت: از زمانیکه که مشغول کار در حوزه هنری شدم همایش آغاز شد و از همان زمان در فراخوان اعلام شد که این حرکت یک نذر فرهنگی است و قرار نیست برای اجرای آثار حق‌الزمه‌ای به هنرمندان پرداخت کنیم. از آغاز، دو روز در نجف، دو روز در مسیر پیاده روی اربعین و دو روز در کربلا اجرا داشتیم که امسال در کربلا اجراها بیشتر بود. ما در سال اول برگزاری همایش ۵۰ تا ۶۰ هنرمند را با خود همراه کردیم و آنچه مدنظرمان بود این بود که زمینه دیدن روایت‌های مستند را برای زائران ایجاد کنیم. سال اول در سه ژانر تئاتر خیابانی و تعزیه به زبان فارسی و زبان عربی اجرا داشتیم و در مسیر راهپیمایی دیدیم که با توجه به تعداد زیاد زائران عرب، مخاطبان با آثار عربی ارتباط خوبی برقرار می‌کنند؛ بنابراین از سال بعد با افزایش تعداد هنرمندان همراه با همایش بین‌المللی تئاتر مردمی اربعین «روایت راهیان»، تعداد آثار به زبان عربی را افزایش دادیم.



## تاثیر تجربیات در کیفی‌سازی اجراها

ی با بیان خاطره‌ای از اینکه مردم عراق سریال «یوسف پیامبر» را دیده بودند و کاراکتر «لاوی» را که کوروش زارعی نقش آن را بازی کرده بود می‌شناختند به سختی‌های سفر اربعین اشاره کرد و به تجاربی که هر سال به واسطه برگزاری همایش بین‌المللی تئاتر مردمی اربعین «روایت راهیان» کسب کرده است. وی ادامه داد: تجربیات در هر سفر به کیفی‌سازی اجراها خیلی کمک کرد؛ به طوریکه سال گذشته در میان انبوه مخاطبان متوجه شدیم که برای قشر کودک و نوجوان اثری قابل ارائه نداریم؛ بنابراین نسخه عربی نمایشی که با عنوان «قهرمان کوچک» برای «رستخیز عام» با موضوع حضرت علی اصغر آماده شده بود را در عراق هم اجرا کردیم. همچنین به بجای حمل تجهیزات اجرایی تصمیم گرفتیم موبک‌هایی را انتخاب کنیم و آثارمان را در ۴ موبک به اجرا در آوریم.

## جریان‌سازی ماحصل همایش تئاتر مردمی اربعین

وی با بیان اینکه امسال مردم عراق از همه جهات میزبان همایش بین‌المللی تئاتر مردمی اربعین «روایت راهیان» بودند، به جریان‌سازی و تاثیرگذاری این همایش در راهپیمایی اربعین پرداخت و گفت: مهمترین کاری که در این مسیر کردیم جریان‌سازی بود. ما با افزایش تولیدات عربی جریان‌سازی و گفتمان‌سازی را گسترش دادیم؛ به طوریکه امسال دیدیم نزدیک به ۱۰ گروه عراقی کار ما را انجام می‌دهند و این همان چیزی بود که ما می‌خواستیم. در نجف، مردم سراغ اجراهایمان را می‌گرفتند و این انتظار برای اجرای تولیدات هنری نتیجه‌ای مثبت بود. مواردی از این دست نشان می‌دهد همایش توانسته تاثیر خود را بر روی هنرمندان عراقی هم بگذارد تا آنها هم دست به تولید اثر هنری بزنند.

## اجرای مقتل‌های مورد قبول عرب‌ها

وی با ارائه گزارشی از برگزاری ورکشاپ‌ها و تعاملات و ارتباطاتی که از دل همایش بین‌المللی تئاتر مردمی اربعین «روایت راهیان» با هنرمندان عراقی برقرار شد، به اجرای مقتل‌هایی اشاره کرد که مورد قبول عرب‌ها هستند و با کار روی لهجه اجراگران میزان اثرگذاری بیشتری روی مخاطب عراقی داشته‌اند.

## امضای تفاهم نامه

زراعی در بخش دیگری از سخنانش به همکاری با گروه حشدالشعبی اشاره کرد و افزود: ارتباط تئاتر تاریخی با جامعه فرهنگی عراق اتفاق مبارک چند سال اخیر است. ما با برگزاری همایش بین‌المللی تئاتر مردمی اربعین «روایت راهیان» با عراق گره خوردیم و این چیزی بود که ما دنبالش بودیم و قصد داریم با «عتبه عباسی» تفاهم‌نامه‌ای امضا کنیم چراکه عتبه عباسی دنبال برگزاری نمایشگاه عکس با موضوعات قرآنی است.

وی با یادآوری نقش اجراهای هنری در تبیین واقعه عاشورا، به افزایش اجراها در مرز باشماق، مرز خسروی، شلمچه و چذابه و مرز مهران پرداخت و اظهار کرد: ما تعزیه را به زبان ترکی هم اجرا کردیم و از آنجا که بخشی از مخاطبان پاکستانی، هندی و اردو هستند، می‌خواهیم با همکاری هنرمندان سیستان و بلوچستانی برای مخاطبان اردو زبان هم اجرای اثر هنری داشته باشیم.

## مثل خونه ی خودم (قسمت اول)

محرم که شد دل تو دلم نبود برای اربعین، کارم شده بود شمردن روزهای مانده. آروم و قرار نداشتم. مثل کسی که قراره به مهمترین قرار زندگیش بره. قراری از سر لطف، نه از روی لیاقت. برنامه ریزی می کردم کی، چی جوری، چند روزه، با چه لوازمی برم و برای جا نمودن در اولین فرصت بلیط گرفتم.

در آخرین دیدار قبل از سفر، یکی از اقوام گفت: «من و همسرم هم دوست داشتیم بیایم ولی او مریضیش طوریه که نمی تونه. میشه منو با خودت ببری؟ آخه بخاطر دیابتم باید حتما یکی همراهم باشه». دلم نیومد نه بگم، علی رغم نگرانی از کندی سرعتش، توکل کردم و بی درنگ پذیرفتم، چون می دونستم خدمت در این راه ارزشمند.

برنامه ریزی کردم کمتر نجف مانده و روزی دویست و پنجاه عمود برویم تا در روز ششم، شب اربعین، کربلا باشیم. قرارمون سیزدهم صفر، نجف بود. او با هواپیما و من زمینی، صبح روز چهاردهم با اجازه از امیرالمؤمنین(ع) راهی مشایه شدیم. مشایه ای که در ظهر دومین روزش با وجود همه ی برنامه ریزی ها، تازه به عمود دویست و هفتاد رسیدیم. همسفرم از صبح حال ندار بود. فهمیدم در تهران، سرما خورده، اما داروها را خورده و نخورده به شوق زیارت راه افتاده. ده عمود بعد به درمانگاه امام رضا(ع) رفتیم.

از آنجا که آمدیم. حدود عمود دویست و نود موکب بزرگی با ستون های چوبی که روی تابلو نوشته بود «موکب شهداء الجمعه الدامیه. عشیره آل دوش» و جلوی

پرده های بلند پلاستیکی سفید برای جلوگیری از تابش آفتاب و استراحت زوار آویزان بود را دیدیم. چسبیده به پرده یک ردیف صندلی پلاستیکی با چند خادم مرد و پشت پرده ها در زیر سقف ستون ها، موکت لاکه رنگی پهن شده بود و آقایان در آنجا زیر کولرهای بزرگ استراحت می کردند. به همراهم گفتم: «وایستا برم ببینم میتونیم شب اینجا بمونیم».

همینطور که چشم انداخته بودم تا ببینم جایی مخصوص خانم ها دارد یا نه، پس از موکت، حدود ده پله رو به پایین که مقابلش سه درب مشابه با چراغ های خاموش و بدون پرده بود را دیدم. دمپایی در دست، با احتیاط رد شدم. رد پاها روی موکت، نشان عبور با کفش بود. درب اول و دوم محل استراحت آقایان و درب سوم وقتی با کولر بزرگی که نیمی از درب را گرفته بود مواجه شدم. حدسم می گفت خودشه، سرک کشیدم و بوی رطوبت مشامم را پر کرد. بی توجه به آن شادمان پیش همسفرم برگشته. ساک ها را گرفته و جلو رفتم. داخل موکب با اینکه جا زیاد بود اما چون رختخواب ها درهم برهم بودند به سختی می شد جایی دست و پا کرد. تو همون تاریکی با کمی جابجایی، دو تشک پهن کردم و با خیالی راحت و امیدوار استراحت کردیم.

صبح روز سوم، بخاطر شرایط با سه ساعت تأخیر، ساعت هشت برای گرفتن صبحانه رفتم. وقتی برگشتم. همسفرم هنوز خواب بود. صدش زد. در حالیکه به شدت گیج و خواب آلوده بود. رازش را برملا کرد و گفت: «هر وقت دارو می خورم. به شدت بدنم متأثر میشه و فقط می خوابم» و دوباره خوابید. متعجب شدم. دیگه کاری از دستم برنمیومد. در همین حین توجهم به دیوارهای سیمانی بلند که در سمت چپ پنجره هایی خاک گرفته، پر از تارهای عنکبوت با مهرهای تک و توک روی لبه ی کوچکشان و مارمولک هایی که از آن بالا و پایین می

کار او اهتمام نموده و او را به منزل برساند و مبادا با او استخفاف و بی‌اعتنایی نماید». قرص تر شدم اما دست از دعا نکشیدم. حالا دیگر من هم مریض شده بودم. شب هر دو به درمانگاه رفتیم. ادامه دارد...

نویسنده: سهیلا سادات حسینی

اربعین ۱۴۰۲

## علفزار روایتگر گودال حیوانیت

سهیلا سادات حسینی: اولین فیلم بلند کاظم دانشی در مقام کارگردان و نویسنده به نام «علفزار» که در گونه‌ی جنایی-اجتماعی و بر اساس اتفاقات واقعی است. توانست با شرکت در چهلمین دوره‌ی جشنواره فیلم فجر، چهار سیمرغ طلایی بهترین صداگذاری، بهترین تدوین، بهترین فیلم نامه و بهترین بازیگر نقش مکمل زن و همچنین دیپلم افتخار بهترین موسیقی متن را دریافت کند. بهرام رادان به عنوان تهیه‌کننده و پژمان جمشیدی، سارا بهرامی، ستاره پسیانی، ترلان پروانه، عرفان ناصری بازیگران آن بودند. این فیلم سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن را با معرفی صدف اسپهبدی از آن خود نمود.

داستان با نمایی از جنوب شهر و اتفاقی هولناک که مخاطب را در جایش میخکوب می‌کند؛ آغاز می‌شود. شروعی طوفانی و جذاب که هیچ زمانی را برای همراه کردن بیننده با خود از دست نمی‌دهد. پس از آن بازی خوب بازیگران و قرار گرفتن دیالوگ‌ها و ماجراها در جای خود موجب می‌شوند. ضمن باورپذیری اشخاص و

رفتند، جلب شد. نگاهم به سمت وسایل قدیمی، شکسته و خاک گرفته در انتهای موکب کشیده شد. با توجه به شلوغ و پلوق بودن آنجا و بی‌توجهی زوار در نظافت و جمع نکردن تشک‌هایشان، به جای دویست نفر، صد نفر جا می‌شدند. با خود گفتم: «احتمالا انقدر خادم ندارند که از پس مرتب کردن هر روزه‌ی اینجا با این همه جمعیت بر بیان. واقعا حیف، اگه حداقل رختخواب‌ها «مرتب بودند. دست کم پنجاه زائر دیگه هم جا می‌شدند با نزدیک شدن ظهر، زائران بیشتری می‌آمدند. حالِ همراه هم‌مانطور بود. حتی مصرف چهار ساعته‌ی قرص، گذاشتن دستمال، پاشویه‌ی گلاب، چهار تخمی، شربت آلبیمو عسل هم افاقه نکردند. هم وطن شیرین زبان یزدی با دادن داروی گیاهی گفت: «اگه تو دهنش نگه داره تورم گلوش کم می‌شه». زائر دیگه ای برای تبش گل ختمی داد. در این اوضاع احوال پریشان حالی، اینکه هر کسی اول سفرش هر چه داشت را بدون ترس از نیاز خودش، بی‌آنکه بخواهم، می‌داد، تسلایی بود. گذشتن از خود برای دیگری از شیرینی‌های این راه است. راهی که با آنکه مولایش غریب بود اما غربت در آن بی‌معناست. همه جایش خانه‌ی توست. خانه‌ای که گاه کشور، گاه شهر تولد، گاه خانه پدری و گاه اتاق شخصی است و اینجا برابری خانه‌ی متفاوت‌آشنایی شده بود.

قدری دراز کشیده و با بغضی که دیگه نمی‌تونستم جلویش را بگیرم از درب نیمه باز به زائران چشم دوختم. عطش پیاده روی و ترس از جاماندن لحظه‌ای ره‌ایم نمی‌کرد. شانزدهم صفر هم رو به پایان بود، من و هزار و دویست عمود مانده. در گیر و دار اشک و آه و حسرت به سراغ مفاتیح رفتم. صفحه‌ی آداب زیارت امام حسین(ع) آمد. این هم خیری بود که معرفتم بیشتر شود. در قسمتی از آن نوشته بود «اگر در بین راه زوار پیاده دید که وامانده و خسته شده و از او استعانتی خواست تا ممکن شود در

به خوب یا بد طبقه بندی کند؛ بلکه در فضایی منطقی - احساسی، شرایطی را که هر کس در آن قرار می گیرد. به تصویر می کشد و این مخاطب است که تصمیم می گیرد. حق با کیست. این امر موجب می شود پس از پایان نیز ذهن تماشاگر درگیر اتفاقات آن باشد. تفکری که به جامعه در رویارویی با شرایط مختلف اجتماعی کمک خواهد کرد.

## غریب روایتگر بخشی از محمد؛ مسیح کردستان

سهیلا سادات حسینی: فیلم سینمایی «غریب» به کارگردانی محمد حسین لطیفی که قبلاً کارهای درخشانی چون روز سوم، کت جادویی، همسایه ها، سفر سبز، وفا، صاحب‌دلان، قلب یخی، دودکش را از وی شاهد بودیم با تهیه کنندگی و نویسندگی حامد عنقا، به روایت بخشی از فرماندهی شهید محمد بروجردی در غرب پرداخته و توانستند نگاه‌ها را به خود جلب نمایند. قطعا سهم بازیگرانی چون بابک حمیدیان، مهران احمدی، پردیس پورعابدینی، رحیم نوروزی، فرهاد قائمیان، جعفر دهقان، هژیر سام احمدی، حسام محمودی و سامیه لک که با نقش‌هایشان عجبین شده بودند؛ غیرقابل انکار است. نقش‌هایی که با پردازش صحیح شخصیت‌ها و بازی روان بازیگرانش به خوبی با مخاطب ارتباط برقرار می کنند. پس از گذر از بازی یک دست و بی حرف و حدیث بابک حمیدیان و پردیس پورعابدینی، به نقش سرهنگ ارتش، با بازی فرهاد قائمیان اشاره می کنیم که توانست در زمانی اندک، طوری تأثیرگذار ظاهر شود که پس از شهادتش مخاطب احساس کند. آشنایی قدیمی را از دست داده است و بیان عدم تفاوت میان نیروهای مسلح را تسهیل نماید. یا حتی شخصیت نه چندان پرداخته

اتفاقات، ریتم داستان حفظ گردد و بیننده در طول فیلم دچار خمودگی نشود. داستانی که نمایش دست و پا زدن انسان‌ها را به قول علامه جعفری در «گودال حیوانیت» به تصویر می کشد. کارگردان با فیلم نامه اش نشان می دهد. بر ماجراها مسلط است و می داند چه می خواهد بگوید. انتخاب موضوع تجاوز و خرده موضوعات اعتیاد، قتل و فشارهای سیاسی که هر کدام می توانند موضوع یک فیلم باشند. جسارتی می خواهد که «دانشی» آن را به نمایش گذاشت. او می تواند بی واژه حرف حق را بگوید. حقی که نمی خواهد بین مردم و دستگاه قضایی فاصله بیفکند. بلکه هدفش فقط احقاق حق است. کارگردان با فاصله ای ایمن از فیلم‌های زرد و سیاه نمایی، معضلاتی که جامعه از آن رنج می برد و گاهی افراد ناخواسته در آن شرایط قرار می گیرند را روایت می کند. خرده داستان اعتیاد که در دل ماجرا در جاهای مناسبی قرار داده شده است. به خوبی توانسته خلأهای قانونی موجود را مطرح نماید و فضای فیلم را از یکنواختی خارج کند. اما در نوع نمایش می توانست با احترام بیشتری، ایستادن یک مادر معتاد، پای بچه اش را به تصویر بکشد. و احساس پدران ی یک فرد معتاد به طرز شایسته تری نشان داده شود.

فیلم به طور کلی اتفاقاتی که برای سه کودک مقتول، ناخواسته و شاهد می افتد را روایت می کند؛ اما آن‌ها را به حال خود وامی گذارد. آنچه که در صحنه‌های دیگری از قبیل تغییر ناباورانه ی مادرشوهر، عاقبت چاقو خوردن همسر سارا نیز دیده می شود و نهایتاً در پایان رهاسدگی غیرقابل قبولی را شاهد هستیم.

از دیگر نقاط قوت «علفزار» این است که مخاطب را وادار می کند. در وقایع مختلف، خود را جای تک تک نقش‌ها قرار دهد و قاضی صحنه‌ها گردد. سعی ندارد با روایتی یک طرفه آنچه را می خواهد به بیننده بقبولاند و افراد را

ها را محفوظ نگه داشته و انسانیت را به کمال می رساند. وی علاوه بر پایبندی شدید به اصول شرعی از تعصبات کورکورانه می پرهیزد؛ که این امر در تیراندازی به سمت مسجد، امر به معروف برای نماز صبح و ایستادن در صف نماز جماعت اهل سنت به خوبی نشان داده شد. وی با خضوعش دیگران را بر خود رجحان داده و خانواده اش را در کنار سایرین سکنی می دهد و به عنوان یک سرباز ساده، همیشه و در هر جا آماده ی خدمت است. اما نمایش استفاده از سیگار برای یک قهرمان ملی و الگوی نوجوانان و جوانان کاملاً غیر ضروری و مخرب است. ای کاش اگر تصمیم بر آن بود، در همان صحنه ی اول که می توانست به حساب پوشش وی برای عدم شناخت باشد. باقی می ماند

بازگشت به عقب بی ثمر ابتدای فیلم و طولانی کردن اتفاقاتی که به جای چهل دقیقه، می توانست در ده دقیقه نمایش داده شود از دیگر نقاط ضعفی هستند که موجب از دست رفتن بخشی از مخاطبان در همان ابتدا گردید. همچنین عدم شفافیت و احتیاط بیش از حد در نمایش روابط پرستار خائن و دختری که به شهید کمک می کند. مخاطب را به جای فهم دچار ابهام و سردرگمی می نماید با وجود برخی اشکالات موجود، این اثر برجسته و فراموش نشدنی در نمایش بخشی از شخصیت شهید بروجردی به مخاطبان عملکرد موفقی داشته است

اینستاگرام @sayes\_man

@totayar.ir

@totayar سروش و ایسا و آی گپ

تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

www.sayesman.ir

شده و یک نواخت کاک شوان با بازی مهران احمدی نیز موفق شد به مخاطب بگوید که هر کسی با هر ویژگی فردی وقتی چنین جایگاه و تفکراتی داشته باشد. عکس العمل یکسانی نیز خواهد داشت و مخاطب را قانع می کند که عدم شخصیت پردازی فردی برای این نقش، با آگاهی و تحلیل گرانه بوده است. همچنین کارگردان توانست از پسر نوجوانی که فقط در سه صحنه بدون دیالوگ در فیلم حضور داشت. طوری بازی بگیرد که بتواند بخشی از شخصیت شهید بروجردی را به مخاطب مخابره نماید. ضمن آنکه نمی توان از نمایش حیرت انگیز صحنه ی درگیری پرستاران در بیمارستان نیز بی تفاوت گذر کرد

این اثر که در زمره ی کارهای موفق دفاع مقدس قرار می گیرد. توانست در چهل و یکمین دوره جشنواره فیلم فجر، سیمرغ بلورین بهترین جلوه های ویژه میدانی، بهترین فیلم از نگاه ملی، بهترین چهره پردازی، بهترین طراحی صحنه و بهترین بازیگر نقش اول زن با بازی پردیس پورعابدینی را به خود اختصاص دهد و در جایگاه نخست از نظر تعداد دریافت سیمرغ قرار بگیرد. همچنین در بخش مقاومت نیز به کسب جایزه ی بهترین فیلم توسط داوران نائل گردید

فیلمی که شجاعانه به واقعیت، وفادار مانده و خانواده شهید را با خود همراه می نماید. واقعیتی که کتاب «محمد؛ مسیح کردستان» اثر نصرت الله محمودزاده در بیان آن، یاریگر ارزشمندی بوده است. مخاطب اکنون قهرمانی دارد که ضمن صبوری، با رعایت اخلاقیات، چهره ای آرام و دلنشین را از خود به نمایش می گذارد. کسی که اهل گفتمان و صلح بوده و حتی در سخت ترین و خطرناک ترین لحظه ها، جان انسان ها برایش ارزشمند است. او تا زمانی که مجبور نشود؛ نمی جنگد و در جنگ به شیوه ی سنت الهی با اسرا مدارا می نماید و ضمن همنشینی امیدوارانه با آن ها جهت نجاتشان، حقوق آن



## آموزه های من: نارگیل خان در راه نجات صداقت



مجموعه ی تلویزیونی نارگیل به کارگردانی سید ابراهیم عامریان و حمزه ی صالحی در سال ۱۴۰۰ ساخته شد، داستانی فوق العاده جذاب که پند آموزشی نهفته در داستان به زیباترین شکل ممکن آموزش داده میشود و در نهان جان کودکان مینشیند «راستگویی»

پدر بزرگ این داستان با بازی زیبای ( مهدی فقیه) از خاندان فریدون راستگویان. این خاندان در داستانهای اساطیری و کهن نماد بدجنسی ( وروره ی دروغگو) را درون کوزه ای حبس کردند و کوزه وقتی میشکند که یکی از اعضای خاندان فریدون یک دروغ بگوید.

هاله نوه ی پدر بزرگ با برداشتن فلوت جادویی و گفتن این که من برندا شتم باعث شکسته شدن کوزه میشود وروره ی بدجنس آزاد میشود و در پی انتقام از خاندان راستگوها پدر و مادر هاله را با یک طلسم شیطانی به خواب فرو میبرد.



راه برگشت و نجات خانواده باز است. این با پشیمانی عمیق از دروغگویی آغاز میشود و با تلاش برای ازبین بردن طلسم سیاهی ها ادامه می یابد.

از نویسنده ی فیلمنامه و خالق این عروسکهای دوست داشتنی جناب آقای حمزه ی صالحی یک تقدیر ویژه باید به عمل آورد. چنانچه در مجموعه عروسکی قبلی ایشان عروسکهای پیم و پم هم بسیار مورد توجه بچه ها قرار گرفته بود.

پیم و پم در هر قسمت از ماجراهای خود با موضوعیت آموزش لغات جدید داستان های تازه تعریف میکنند و در خلال این داستان ها آن لغات را آموزش می دهند.

در پایان آرزومندیم که در بین مجموعه های تولیدی سالانه با محتوای آموزشی کودکان، این ذکاوت و تیزهوشی در داستان سرایی با آموزش غیر مستقیم تداوم .... یابد.

نویسنده: قاطمه محمودی

اکنون هاله ودو برادرش قدم در راهی بزرگ و رازآلود میگذارند ، آن ها باید به سرزمین « سه ماه» بروند و سه عنصر لاله طلایی ، سرخینه و نیلوفر مرداب را پیدا کنند تا معجونی ساخته شود برای شکستن طلسم وروره

پدربزرگ با بازکردن صندوق قدیمی نیاکان خود ، سه جوانمرد به نامهای نارگیل خان و لنگه و لیوه که توسط معجون بدجنسی به عروسک تبدیل شده اند را بیرون میآورد، سپس آنها را با نوه های خود هاله و حمید و حامد به سرزمین « سه ماه» میفرستد.

اکنون زمان آزمون بزرگ است ، پدر بزرگ معجون راستی آزمایی میسازد تا سیاهی را از دل نارگیل و لنگه و لیوه بیرون کند . آنها هم قول میدهند به بچه ها در این راه پر پیچ و خم کمک کنند.

این مجموعه ی تلویزیونی عروسکی با دستمایه قرار دادن راستگویی یک داستان مهیج و دنباله دار را آغاز می کند که با ورود بچه ها و عروسک ها به سرزمین «سه ماه» ادامه می یابد.

هاله با دروغگویی خود در کوزه ی بدجنسی را می گشاید که دقیقاً مطابق با این روایت از امام حسن عسگری ع است که تمام پلیدی ها در خانه ای قرار داده شده است و کلید آن خانه دروغگویی است.

با دروغ هاله دری گشوده شده به سمت آغازبدجنسی ها و طلسم ها و بدیها اما این پایان ماجرا نیست.

راه برگشت و نجات خانواده باز است. این با پشیمانی عمیق از دروغگویی آغاز میشود و با تلاش برای ازبین بردن طلسم سیاهی ها ادامه می یابد.

از نویسنده ی فیلمنامه و خالق این عروسکهای دوست داشتنی جناب آقای حمزه ی صالحی یک تقدیر ویژه باید به عمل آورد. چنانچه در مجموعه عروسکی قبلی ایشان عروسکهای پیم و پم هم بسیار مورد توجه بچه ها قرار گرفته بود.





در مورد آنها انجام دهید. سعی کنید کسانی را که در گروه دوم و سوم قرار دارند را رها کنید - نگرانی در مورد چیزهایی که نمی‌توانید تغییر دهید یا چیزهایی که خود به خود حل می‌شوند، وجود ندارد.

سبک زندگی خود را مرور کنید. آیا بیش از حد تحمل می‌کنید؟ آیا کارهایی وجود دارد که انجام می‌دهید و می‌توانید آنها را به شخص دیگری واگذار کنید؟ آیا می‌توانید کارها را با آرامش بیشتری انجام دهید؟ ممکن است لازم باشد چیزهایی را که برای دستیابی به آنها تلاش می‌کنید، اولویت بندی نمایید و زندگی خود را دوباره سازماندهی کنید تا سعی نکنید همه چیز را یکجا انجام دهید.

اما وجه دوم هنگامی است که شما بتوانید به روش‌های مختلفی از خود در برابر استرس محافظت کنید:

سالم بخورید. یک رژیم غذایی سالم خطر ابتلا به بیماری‌های مرتبط با رژیم غذایی را کاهش می‌دهد. همچنین، شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه غذا بر خلق و خوی ما تأثیر می‌گذارد. با اطمینان از اینکه رژیم غذایی ما مقادیر کافی از مواد مغذی مغز مانند ویتامین‌ها و مواد معدنی ضروری و همچنین آب را فراهم می‌کند، می‌توان از احساس خوب بودن محافظت کرد.

مراقب سیگار کشیدن و نوشیدن خود باشید. این موارد تنش را کاهش می‌دهند، اینها فکرها را همراه کننده است که با اینها بهتر می‌شوم؛ زیرا آنها مشکلات را به طور حتم بدتر می‌کنند.

ورزش. ورزش بدنی می‌تواند در کاهش استرس بسیار موثر باشد. حتی بیرون رفتن برای هوای تازه و انجام برخی تمرینات بدنی سبک، مانند پیاده روی دیدن مغازه‌ها، می‌تواند کمک شایان ذکری به شما بکند.

ادامه دارد... به قلم دکتر یاسر اصلانی

## لحظه ای با دکتر: مطالعه ی آرامش برای آسایش (۶)

در ادامه این بحث آورده شد که استرس یک واکنش طبیعی به موقعیت‌های دشوار و پیچیده زندگی، مانند کار، خانواده، روابط و مشکلات مالی است.

اشاره کردیم که مقدار متوسط استرس می‌تواند به ما کمک کند در موقعیت‌های چالش برانگیز عملکرد بهتری داشته باشیم، اما استرس زیاد یا طولانی مدت می‌تواند منجر به مشکلات جسمانی و روانی شود. این می‌تواند شامل سطوح ایمنی پایین تر، مشکلات گوارشی و روده ای مانند سندرم روده تحریک پذیر آ‌ی بی اس ای یا مشکلات سلامت روان مانند افسردگی باشد. بنابراین، مهم است که استرس خود را مدیریت کنیم و آن را در سطح سالم نگه داریم تا از آسیب طولانی مدت به بدن و ذهن خود جلوگیری کنیم. راهکارهایی که در این مراحل می‌توانند خلاصه شوند.

زمانی که استرس دارید، سعی کنید این مراحل را انجام دهید:

متوجه شوید که چه زمانی استرس برای شما مشکل ایجاد می‌کند. شما باید بین احساس خستگی یا بیماری با فشارهایی که با آن مواجه هستید ارتباط برقرار کنید. هشدارهای فیزیکی مانند عضلات منقبض، خستگی بیش از حد، سردرد یا میگرن را نادیده نگیرید.

علل را متوجه شوید. سعی کنید علل زمینه‌ای را شناسایی کنید. دلایل احتمالی استرس خود را به دلایلی با یک راه حل عملی، گروه بندی کنید، دلایلی که به هر حال با گذشت زمان بهتر می‌شوند و دلایلی که نمی‌توانید کاری

## Ayatollah Naseri: A remainder from his predecessors and valuable for the people



In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

May God elevate Mr. Naseri's status and bestow upon him His special grace, God willing. He is surely already benefitting from God's grace. And may God fill the void left by his absence, God willing. The presence of individuals like him is truly very valuable. We greatly need the things that people like Mr. Naseri can provide to society, things such as ethics, spirituality, and attentiveness toward God. May God protect you and the other gentlemen.

This program that you have announced for the conference in commemoration of the late Mr. Naseri (may God be pleased with him) is a good program. In other words, the different aspects of the subject have been considered, but what's important is for you to be able to convey these topics to the audience while providing a scientific, well-founded

Explanation. This is what we need today.

When a person like Mr. Naseri is speaking with the people himself, this makes things easy. Because the words that come out of the mouth of a person like Mr. Naseri are heartfelt and spiritual, arising from his sincerity and attentiveness toward God. What such a person says is not abstruse, he does not use difficult terms, nor is there a special scientific framework involved with his words. His words are like water that boils up and flows from the heart. It is as though the audience is sitting at the foot of a spring and drinking water. There are no difficulties involved when doing this.

What has solved the difficulties? It is his sincerity and his strong spirit which is connected to God's grace and attention. This solves the difficulties. That is how it is when he or someone like him is alive and talking. But when we wish to convey these concepts, we become intermediaries. This use of intermediaries creates a barrier, but there is no choice. If we wish to convey these words, such methods are needed. We need to write, transcribe, arrange, and classify them. There is no other way.

However, these words will lack the purity, spirituality, splendor, and manifestation that they had during his lifetime. What can we do to compensate for this? We should make sure the content is presented in a way that is well-founded and well thought out. We need to make use of words and terms with a rich literature. These are important matters. And we need to prepare discussions in accordance with the thoughts and minds of the audience.

After all, someone who is a student is different

from a non-academic person, a seminary student, or someone who is older. They each have a different temperament. They accept things differently. We must be mindful of these matters. In my opinion, if you want this conference to take place in a way that is line with your intentions and your goals, you need to follow these guidelines.

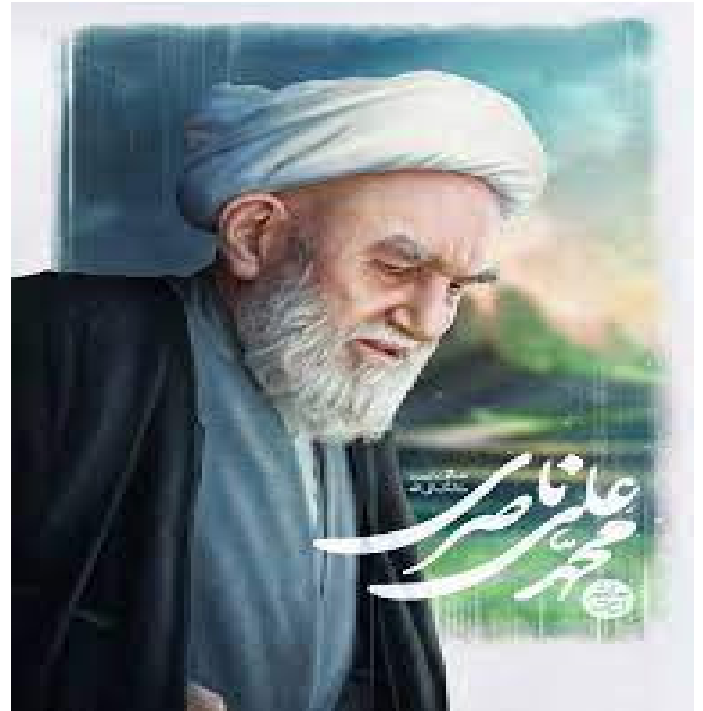
The late Ayatollah Naseri was a remainder from his predecessors. That is, he was an example of those people whose names only we have heard of. People benefited from his presence, and being in his company was a spiritual pleasure. His everyday words were beneficial. That is, it wasn't like this that you had to attend, for example, one of his special classes to benefit from him. No, even the normal things that he would say in his daily life were beneficial to those around him.

I had the honor of being in his presence several times. He had benefited from the presence of Sayyid Jamaluddin Golpaygani as well. I cannot remember exactly if his father was one of Sayyid Jamal's students or if he himself had been his student too. The late Sayyid Jamal passed away in 1957, and Ayatollah Naseri was born in 1931. He was 26 years old at the time of Sayyid Jamal's demise, so he may have been his student himself.

There was a story that he narrated for me about the late Sayyid Jamal. I heard this story from him two or three times. The last time, I was in the hospital, and he had come to visit me. I asked him to sit down and tell me the story one more time, and he narrated it again for me in detail. Well, he was a very valuable person. Ayatollah Naseri was truly a blessing, especially for the people of Isfahan who attended his lectures and listened to his

speeches in person.

I hope that more people like him will be trained, will advance, and will be beneficial for the people, God willing. Of course, we definitely have prominent people in [our] day and age. We need to search, find them, and learn and benefit from their presence. May God elevate his spiritual position, God willing. And may God keep you and protect you, God willing. And may this commemoration of Ayatollah Naseri be beneficial, God willing. May you be successful and assisted (by God), and may God protect you, God willing.



**sayes  
man**

@sayesman

September

Husayn

peace be upon her

